یک کاتولیک در صدر دولت پروتستان ایرلند شمالی

سرانجام پس از یک وقفه دوساله، دولت محلی در ایرلند شمالی تعیین شد و میشل اونیل، معاون حزب سیاسی «شین‌فین» به‌عنوان وزیر اول دولت محلی معرفی شد. مقام وزیر اول، بالاترین جایگاه سیاسی در ایرلند شمالی محسوب می‌شود.

بر اساس توافق‌نامه صلح موسوم به «جمعه نیک» به سال ۱۹۹۸، ساختار قدرت در دولت محلی باید به گونه‌ای باشد که بین دو طیف اصلی ایرلند شمالی یعنی اتحادیه‌گرایان بریتانیایی (طرفداران حفظ یکپارچگی سیاسی با لندن) و ملی‌گرایان ایرلندی (طرفداران حفظ یکپارچگی سیاسی با دوبلین) تقسیم شود.

پس از اعلام استقلال جمهوری ایرلند در سال ۱۹۲۱، ایرلند شمالی با اکثریت جمعیت پروتستان خود همچنان بخشی از کشور بریتانیا و تحت حاکمیت لندن باقی ماند. خانم اونیل اعلام کرد «دوران شهروند درجه‌دو بودن خیلی وقت است که گذشته. اتفاق امروز مهر تأییدی است بر اینکه آن روزگار هرگز برنمی‌گردد. من به‌عنوان یک جمهوری‌خواه ایرلندی، به همکاری و تلاش صادقانه با آن دسته از همکارانی که بریتانیایی هستند و طرز تفکر یکپارچگی با لندن را ارج می‌نهند، متعهد هستم. این مجلس برای همه مردم اعم از کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و دگراندیشان است». دولت محلی در ایرلند شمالی به‌گونه‌ای است که هیچ‌یک از دو طیف سیاسی (اتحادگرا و ملی‌گرا) نمی‌توانند بدون توافق طرف مقابل حکومت‌داری کنند. دو سال پیش بود که «حزب دموکراتیک اتحادگرا، DUP» در اعتراض به مسائل تجاری مرتبط با برکسیت اعلام کرد که از دولت ائتلافی کنار می‌کشد و همین امر باعث شد تا میزان تجارت دولت محلی به نصف کاهش یابد.

اما از روز گذشته، اونیل قدرت را با قائم‌مقام خود یعنی خانم «اِما لیتل پنگلی» از حزب DUP تقسیم کرد. باوجوداین جایگاه هر دو مقام برابر خواهد بود اما با توجه به اینکه حزب متبوع اونیل در انتخابات سال ۲۰۲۲ حائز کرسی‌های نمایندگی بیشتری در مجلس محلی ایرلند شمالی شده بود، مسلم است که عنوان معتبرتر وزیر اول را به خود اختصاص دهد. اونیل ۴۷ساله از خانواده‌ای جمهوری‌خواه است و در سال ۲۰۰۷ توانست به‌عنوان نماینده به مجلس محلی ایرلند شمالی راه پیدا کند.

حزب متبوع او یعنی حزب «شین فین» به یک گروه ملی‌گرای مبارز تحت عنوان «ارتش جمهوری‌خواه ایرلند» منتسب است. شبه‌نظامیان ارتش خودخوانده ایرلند نزدیک به ۳۰ سال بر سر آینده ایرلند شمالی از طریق درگیری‌های خشونت‌آمیز مبارزه کردند که سرانجام با توافق «جمعه نیک» ختم به خیر شد. جری آدامز، رئیس سابق شین فین که به میانجیگری برای رسیدن به توافق‌نامه تاریخی صلح جمعه نیک کمک کرد، در محل مجلس حضور داشت تا نامزدی خانم اونیل را ببیند.

ازسرگیری کار دولت محلی دقیقا در دومین سالگرد کنارکشیدن حزب دموکراتیک اتحادگرا رخ داد. در این دو سال، جمعیت ۱.۹ میلیون‌نفری ایرلند شمالی زیر بار افزایش هزینه‌های زندگی و محدودیت‌های ارائه خدمات عمومی، به حال خود رها شده بودند. تداوم بازماندن مرز بریتانیا بین ایرلند شمالی و کشور جمهوری ایرلند یکی از ارکان اصلی رسیدن به توافق برای تشکیل دولت محلی در ایرلند شمالی بود. به‌جای آن، کنترل‌های تجاری در مرز داخلی بین ایرلند شمالی و بقیه بریتانیا اعمال خواهد شد.

توافق یک سال پیش بین بریتانیا و اتحادیه اروپا معروف به چارچوب «وینزور»، از شدت بازرسی‌های گمرکی و سایر موانع تا حدودی کاست اما به حدی نبود که رضایت حزب دموکراتیک اتحادگرا را به اندازه کافی جلب کند. دولت بریتانیا این هفته با تغییرات جدیدی موافقت کرد که به موجب آن بررسی‌های معمول و کاغذبازی برای ورود اکثر کالاها به ایرلند شمالی حذف خواهند شد؛ اگرچه برخی از بررسی‌ها برای کالاهای غیرقانونی یا پیشگیری از سرایت بیماری‌ها باقی خواهند ماند.

دولت بریتانیا همچنین وعده داده است که پس از استقرار مجدد دولت در بلفاست (مرکز ایرلند شمالی)، بیش از سه‌میلیارد پوند برای ترمیم خدمات عمومی آسیب‌دیده به ایرلند شمالی اختصاص دهد. ادوین پوتس، رهبر سابق حزب دموکراتیک اتحادگرا نیز به‌عنوان رئیس مجلس محلی انتخاب شد. منطقه ایرلند شمالی که بخشی از کشور بریتانیا است، در یک جزیره مجزا با کشور جمهوری ایرلند (عضو اتحادیه اروپا) هم‌مرز است. این مرز مشترک بین ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند بعد از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا باعث بروز چالش‌های سیاسی و اقتصادی بین لندن و بروکسل شده بود.

در حوالی میدان سرخ

آیا روسیه می‌خواهد آلاسکا را پس بگیرد؟

احمد وخشیته
استاد دانشگاه دوستی ملل روسیه

دسامبر ۱۸۶۶ بود که یک جلسه ویژه در سالن اصلی وزارت خارجه روسیه برگزار شد که شخص الکساندر دوم، تزار وقت روسیه نیز در آن حضور داشت و طی آن تصمیم گرفته شد که سرزمین‌های روسیه در آمریکای شمالی یعنی مشخصا آلاسکا را بفروشند. در این جلسه، دیپلمات نامدار تاریخ روسیه یعنی الکساندر گورچاکوف که آن زمان سکان‌دار وزارت خارجه بود به همراه فرمانده نیروی دریایی، وزیر دارایی و همچنین سفیر روسیه تزاری در آمریکا حضور داشتند.

اندکی بعد در مارس ۱۸۶۷ مذاکرات کاملا محرمانه‌ای میان سفیر روسیه در واشنگتن و وزیر خارجه آمریکا شکل گرفت که طی آن پیش‌نویس و مبلغ معامله برای خرید سرزمین‌های روسیه در آمریکا مورد توافق قرار گرفت و نتیجه به صورت تلگرافی رمزگذاری‌شده برای گورچاکوف در سن‌پترزبورگ ارسال شد. پاسخ وزیر خارجه تزار وقت روسیه نیز مبنی بر تأیید فروش آلاسکا به مبلغ توافق‌شده خیلی سریع داده شد تا نهایتا در ۳۰ مارس ۱۸۶۷، قراردادی در واشنگتن درمورد فروش آلاسکا توسط روسیه به ایالات متحده آمریکا به مبلغ ۷.۲ میلیون دلار یعنی کمی کمتر از ۱۱ میلیون روبل سلطنتی روسیه امضا شود.

نکته جالب اینجاست که در آن هنگام نمایندگان مجلس سنای آمریکا که باید این معاهده را تأیید می‌کردند، نسبت به آن بدبین بودند و به کنایه با عناوینی همچون خرید «یخچالی خالی» یا «باغ خرس‌های قطبی» از این توافق یاد می‌کردند؛ با این حال با ۳۷ رأی موافق و تنها دو رأی مخالف در سوم می همان سال تأیید شد. در همان روز الکساندر دوم نیز این سند را در سن‌پترزبورگ امضا کرد و در ماه ژوئن اسناد میان دو کشور مبادله شد. نهایتا در ۱۸ اکتبر ۱۸۶۷ در نووار خانگلسک (شهر سیتکای کنونی در آلاسکا) که آن زمان پایتخت سرزمین‌های روسیه در آمریکای شمالی به شمار می‌آمد، قرارداد انتقال سرزمین‌ها به ایالات متحده در یک کشتی آمریکایی امضا شد و در حالی که نیروهای هر دو کشور به صف شده بودند، پرچم روسیه تزاری پایین آورده شد تا پرچم آمریکا برافراشته شود.

در تابستان ۱۸۶۷، کاردار روسیه در واشنگتن چکی به مبلغ ۷.۲ میلیون دلار از خزانه‌داری ایالات متحده دریافت کرد تا این توافق به‌عنوان بزرگ‌ترین معامله مالی تاریخ جهان برای فروش دارایی‌های سرزمینی ثبت شود. روسیه نیز بیشتر وجوه دریافتی را خرج خرید تجهیزات راه‌آهن از خارج از کشور کرد. اما بدون شک، شوک بزرگ برای روسیه هنگامی بود که در پایان قرن نوزدهم، ذخایر عظیم طلا در آلاسکا کشف شد و اندکی بعد در قرن بیستم اکتشاف میادین بزرگ نفت و گاز در آن رقم خورد. آلاسکا که در سال ۱۷۳۲ توسط میخائیل گوزدف و ایوان فدوروف که در سفری با کشتی سنت‌گابریل بودند، کشف شد؛ سال‌ها محل سکونت روس‌ها شد و اگر فرماندار سیبری که در سال ۱۸۵۳ برای نخستین بار ایده فروش آلاسکا را به تزار مطرح کرد، می‌دانست که درباره چه سرزمین‌هایی غنی از طلا و انرژی صحبت می‌کند، هیچ‌گاه استدلال نمی‌کرد که باید سرزمین‌های آمریکای شمالی را رها کنیم و بر توسعه خاور دور توجه داشته باشیم. پیشنهادی که سبب شد برادر تزار آن را پیش بگیرد و گورچاکوف و الکساندر دوم را راضی به فروش آلاسکا کند.

اکنون ۱۵۷ سال پس از این ماجرا، بار دیگر موضوع سرزمین‌های آلاسکا در آشفتگی روابط میان روسیه و آمریکا مطرح شده است. ماجرا به فرمان ولادیمیر پوتین باز می‌گردد که بر جست‌وجوی اموال روسیه در خارج از کشور و تلاش برای بازگرداندن آنها تاکید کرد و مشخصا اموال ازدست‌رفته روسیه در زمان شوروی و روسیه تزاری را پوشش می‌دهد. نیوزویک در واکنش به این دستور در ۲۲ ژانویه نوشت که فرمان جدید جست‌وجوی اموال روسیه در خارج از کشور توسط برخی بلاگرهای افراطی به عنوان گامی به سوی درگیری‌های سرزمینی بالقوه تفسیر می‌شود.

در این میان سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به این موضوع گفت روسیه آلاسکا را که در قرن نوزدهم به آمریکا فروخته است، پس نخواهد گرفت؛ اظهاراتی که با واکنش دمیتری مدودوف، نایب‌رئیس شورای امنیت روسیه مواجه شد که در مورد اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ شوخی کرد. البته باید به یاد داشته باشیم که ویاچسلاو والودین، رئیس مجلس دومای روسیه نیز اندکی پس از آغاز کارزار اوکراین و تلاش آمریکا برای مصادره اموال روس‌ها گفت که ایالات متحده باید همیشه به یاد داشته باشد که روسیه چیزی برای بازگرداندن دارد که به عنوان مثال می‌توان از آلاسکا نام برد.

با وجود این به نظر می‌رسد هم روسیه می‌داند که توجیهی برای پس‌گرفتن آلاسکا ندارد و هم آمریکا فهم می‌کند که روسیه در جست‌وجوی پس‌گرفتن آن نیست؛ سرزمینی گرانبها که روسیه به قیمتی ناچیز به ایالات متحده فروخت اما دیگر بخشی از قلمرو آمریکا به شمار می‌آید و زمان به عقب باز نمی‌گردد.

رئیس‌جمهوری آمریکا در اولین انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها در کارولینای جنوبی، بدون رقیبی جدی به پیروزی رسید

بایدن، سوئیفت و ماسک

انتخابات مقدماتی ریاست‌جمهوری آمریکا برای تعیین نامزد نهایی حزب دموکرات در ایالت کارولینای جنوبی برگزار شد و بنا بر نتایج غیررسمی، جو بایدن با فاصله بسیار، اکثریت آرا را از آنِ خود کرد. دو رقیب جو بایدن در انتخابات درون‌حزبی دموکرات‌ها دین فیلیپس، عضو مجلس نمایندگان آمریکا؛ و ماریان ویلیامسون، نویسنده و کنشگر، هستند. سی‌ان‌ان گزارش داد که با شمارش چهارپنجم برگه‌های رأی، جو بایدن بیش از ۹۵ درصد آرا را به خود اختصاص داده است. خانم ویلیامسون و آقای فیلیپس با فاصله بسیار در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. پس از دهه‌ها، این نخستین بار است که انتخابات درون‌حزبی دموکرات‌ها به جای آیووا و سپس نیوهمپشایر، از ایالت کارولینای جنوبی آغاز می‌شود. این تغییر در کمیته ملی دموکرات، کادر رهبری حزب دموکرات، به تصویب رسید و انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها در ایالت آیووا برگزار نشد. با این حال مقام‌های ایالت نیوهمپشایر با استناد به قوانین ایالتی حاضر به اجرای این تغییر نشدند و ۲۳ ژانویه، هم‌زمان با رقابت‌های جمهوری‌خواهان، رأی‌گیری را برگزار کردند؛ تصمیمی که مجازات کمیته ملی دموکرات را به دنبال داشت. با اینکه جو بایدن برای انتخابات نیوهمپشایر ثبت‌نام نکرد؛ اما ۶۴ درصد آرا به او اختصاص داشت. جمهوری‌خواهان تاکنون دو انتخابات درون‌حزبی در ایالت‌های آیووا و نیوهمپشایر برگزار کرده‌اند و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا، در هر دو به پیروزی قاطع دست یافته است. نامزدهای نهایی دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه تابستان آینده مشخص می‌شوند و انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۵ آبان سال آینده برگزار خواهد شد.

ایده‌ای برای کسب رأی

با نزدیک‌شدن انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴، جو بایدن امیدوار است تأیید فردی بسیار مشهور و مشخصا تیلور سوئیفت خواننده سرشناس و محبوب را به دست بیاورد. قدرت فراوان این خواننده ۳۴ساله در حوزه‌های مختلف بر کسی پوشیده نیست.

تور Eras او رکورد پردرآمدترین تور موسیقی کل تاریخ را ثبت کرد. او در سال ۲۰۲۰ از بایدن حمایت کرد و طرفدارانش را از طریق یک پست اینستاگرامی به ثبت‌نام برای رأی‌دادن واداشت. اکنون بایدن دوباره به دنبال کسب تأیید سوئیفت است. به گزارش نیویورک‌تایمز، کارزار بایدن در نظر دارد رئیس‌جمهوری آمریکا را به یکی از کنسرت‌های تور اراس بفرستد. این نشریه همچنین تاکید کرد با اینکه این ایده «تا حدی شوخی» بود؛ اما «راهبرد تیلور سوئیفت» بارها مطرح شده است؛ تا حدی که کارزار بایدن به متقاضیان کار هشدار داده که از پیشنهاد این ایده دست بردارند. گوین نیوسام، فرماندار کالیفرنیا، پیش‌تر تأیید کرده بود که این خواننده بر سیاست تأثیرگذار است. نیوسام در ماه سپتامبر گفته بود: «تیلور سوئیفت بی‌همتاست. به نظرم کاری که توانست فقط با جوان‌ها انجام دهد، اینکه بدانند صدایی دارند و باید در انتخابات بعدی انتخابی داشته باشند، بسیار تأثیرگذار بود». بایدن در تکرار رویارویی ۲۰۲۰ خود به احتمال زیاد با ترامپ رودررو می‌شود. ترامپ پیش‌تر در دو رقابت حزب جمهوری‌خواه، نظرسنجی آیووا

و انتخابات مقدماتی نیوهمپشایر، پیروز شده است. به نوشته ایندیپندنت، مایکل تایلر، مدیر ارتباطات کارزار بایدن، بعد از نخستین رقابت‌های مقدماتی گفت کارزار بایدن-هریس اکنون بر رویارویی نزدیک بایدن و ترامپ متمرکز شده و نیکی هیلی را در رقابت آینده حذف کرده است. جولی چاوز رودریگز، مدیر این کارزار انتخاباتی، درباره تفاوت پیام‌های تبلیغاتی این دو نامزد پیشتاز ادعا کرد: «دونالد ترامپ کارزار انتقام و تلافی را اجرا می‌کند و دموکراسی آمریکا و آزادی‌های بنیادین ما را تهدید می‌کند. جو بایدن و کامالا هریس برای پیشرفت کشور و بهبود زندگی مردم سختکوش تلاش می‌کنند». جیمز کلایبرن، نماینده دموکرات کارولینای جنوبی، به نیویورک تایمز پیشنهاد داد که این کارزار باید به دنبال یافتن راه‌هایی باشد تا رأی‌دهندگان را برای رأی‌دادن به بایدن سر ذوق بیاورد، نه اینکه فقط در خدمت پیام ضد ترامپ باشد. او به این نشریه گفت که در سال ۲۰۲۰ «مردم ضد ترامپ رأی می‌دادند. این بار کار ما این است که مردم را متقاعد کنیم به بایدن رأی بدهند». او گفت: «نمی‌توانیم به این فعالیت‌های ضد ترامپ اتکا کنیم؛ چون حامیان ترامپ قصد دارند حضوری فعال در انتخابات داشته باشند؛ چون به او پیوند احساسی دارند. باید بین رأی‌دهندگان و بایدن ارتباط احساسی برقرار کنیم». شاید بخشی از این راه‌حل تیلور سوئیفت باشد.

ماسک علیه دموکرات‌ها

بحران مهاجران در آمریکا که با ورود بی‌رویه و بدون ضابطه آنها در دولت بایدن شدت گرفته است، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی بایدن و دموکرات‌ها در انتخابات پیش‌رو محسوب می‌شود. مخالفان و منتقدان دولت بایدن می‌گویند دولت او آگاهانه خواهان ورود بی‌رویه مهاجران است تا بتواند رأی آنها را در سبد خود بریزد. ایلان ماسک، یکی از سرشناس‌ترین مخالفان بایدن، بار دیگر با انتقاد از رویکرد جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، در تأمین امنیت مرزهای جنوبی ایالات متحده گفت که رئیس‌جمهوری با اجازه ورود به میلیون‌ها نفر به کشور کاری می‌کند تا دموکرات‌ها بتوانند برای همیشه در قدرت بمانند. این سرمایه‌دار و کارآفرین ثروتمند که از منتقدان سرسخت سیاست مهاجرپذیری بایدن است، با به اشتراک گذاشتن سرخط خبری مربوط به سال ۲۰۲۱ در رسانه اجتماعی ایکس مبنی بر اینکه بایدن قصد دارد در دوران ریاست‌جمهوری خود به حدود ۱۱ میلیون نفر اقامت قانونی در آمریکا بدهد، به رئیس‌جمهوری حمله کرد. ماسک نوشت: «استراتژی بایدن بسیار ساده است، تا جایی که ممکن است افراد غیرقانونی را وارد کشور کنید؛ سپس اقامت آنها را قانونی کنید تا یک اکثریت دائمی ایجاد شود؛ یعنی یک دولت تک‌حزبی». او افزود: «به همین دلیل است که مهاجرت غیرقانونی را این‌همه ترغیب می‌کنند. ساده و درعین‌حال مؤثر». فاکس نیوز نیز نوشت که گزارش سال مالی ۲۰۲۳ اداره مهاجرت و گمرک آمریکا نشان می‌دهد که شمار مهاجران غیرقانونی بازداشت‌نشده از سه‌میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در ۲۰۲۱ به چهارمیلیون و ۸۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۲۲ و شش‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۲۳ رسیده است. در شرایطی که چند ماه به انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده باقی مانده و مسئله مهاجرت‌های غیرقانونی در زمان ریاست‌جمهوری بایدن به یکی از موارد مناقشه بدل شده است، ماسک این مطلب را در بالای صفحه خود در ایکس ثبت کرد و نوشت: «این توضیح می‌دهد که چرا شمار اخراج‌ها این‌قدر کم است؛ چراکه هر اخراج به معنی از دست دادن یک رأی است». او سپس ضمن اشاره به توهین و حمله یک مهاجر در هفته گذشته به پلیس نیویورک که کوچک‌ترین پیامدی برای فرد مهاجم نداشت و سپس با اشاره به بازداشت‌شدن یک زن ونزوئلایی مجرم که هشت بار در شش ماه گذشته بازداشت و آزاد شد، نوشت: «فایده بازداشت مجرمان وقتی که مجازاتی برای‌شان وجود ندارد، چیست؟». ماسک، مالک تسلا، شرکت هوا فضای اسپیس ایکس و شبکه ایکس (توییتر سابق) قبلا نیز گفته بود که هجوم مهاجران غیرقانونی به‌عنوان پوششی برای جمع‌آوری آرا در انتخابات آینده استفاده خواهد شد. ماسک که مهاجری قانونی به آمریکا از آفریقای جنوبی است، هفته گذشته در واکنش به درخواست جو بایدن که خواستار توافق دوحزبی در سنا در تسهیل عبور مهاجران غیرقانونی از مرز جنوبی شده بود، واکنش نشان داده و نوشته بود: «نیازی به تصویب قانونی نیست. تنها چیزی که لازم است یک فرمان اجرائی است تا قبل از پناه‌جویی به آنان مدرک بدهد. قبلا هم همین رویه انجام شده است». هفته گذشته زمانی که دیوید ساکس، کارآفرین و سرمایه‌گذار سیلیکون‌ولی، نوشت مرزهای آمریکا خراب است «زیرا دولت از اجرای قوانین موجود خودداری می‌کند»، ماسک جواب داد: «دقیقا». ایلان ماسک در ماه سپتامبر از مرز جنوبی ایالت تگزاس و مکزیک بازدید کرد و مشاهداتش را به شکل زنده پخش کرد و گزارشی مستقیم از بحران پناه‌جویی در آنجا داد. بحران موج ورود پناه‌جویان از مکزیک به آمریکا از ایالت تگزاس در هفته‌های گذشته این ایالت و دولت آمریکا در واشنگتن را وارد دعوایی حقوقی کرده است. مقام‌های ایالتی بخشی از مرز را بسته و برای ممانعت از ورود بدون بررسی هویتی پناه‌جویان به آمریکا در مرز سیم خاردار کشیده‌اند. جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان درحال‌حاضر در تلاش‌اند تا الخاندرو مایورکاس، وزیر امنیت داخلی را به دلیل مدیریت بد بحران مرزی استیضاح کنند. مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، هفته گذشته در صحن مجلس گفت که بایدن و مایورکاس طراحان «فاجعه» در مرز جنوبی کشور هستند.

ادامه از صفحه اول

توسعه دریامحور؛ تولد یک الگوی توسعه

در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی و به سبب نگرانی‌های ناشی از آسیب‌پذیری صنایع مهم و حساس کشور، سرمایه‌گذاری روی ایجاد و توسعه این صنایع در شعاع ۲۰۰ کیلومتری مرزهای کشور محدود شده و همین مصوبه سبب شد بسیاری از صنایعی که منطقا باید در قلمروهای ساحلی یا مناطق مرزی کشور مستقر شده تا از منابع و موقعیت آنها (اعم از دسترسی به آب و انرژی، نزدیکی به بازارهای صادراتی و...) بهره‌مند شوند، به مناطق خشک و درونی کشور (از جمله فولاد از بندرعباس به اصفهان، صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی در امتداد خط اتیلن غرب و...) منتقل شده و توسعه جمعیت و فعالیت در کشور عمدتا در مناطقی صورت بگیرد که فاقد توان اکولوژیک موردنیاز برای پذیرش این فعالیت‌ها و جمعیت تبعی آنها هستند. از همین رو توسعه سرزمین با پدیده شوم «عدم تعادل‌های سرزمینی و نابرابری‌های منطقه‌ای» مواجه شد: یعنی توسعه بیش از ظرفیت مجاز و قابل تحمل محیط زیست در چند کلان‌شهر عمده (تهران، اصفهان، مشهد، کرج و...) و خالی‌ماندن بخش‌های قابل توجهی از مناطق مستعد و دارای ظرفیت توسعه به ویژه در شرق و جنوب کشور (جنوب کرمان، مکران، سواحل خلیج فارس و...).

علاوه بر این قرارگیری کشور در تله تحریم‌های بین‌المللی در حدود سه دهه اخیر سبب شده به‌تدریج سیاست صنعتی کشور نیز از طیف عظیمی از صنایع ساخت‌محور یا دانش‌محور که ارزش افزوده بالاتری داشته و نیاز متنوع و متکثر داخل را تأمین می‌کنند به سمت صنایع منبع‌محور (هیدروکربوری و معدنی) تغییر مسیر داده تا با اتکا به دسترسی به انرژی ارزان، صنایع فولادی، پتروشیمی و معدنی متعدد که در همه‌جای دنیا در مناطق ساحلی و مجاور آب مستقر می‌شوند، منتج از لابی‌گری‌ها و فشارهای سیاسی در مناطق خشک و کم‌آبی چون اصفهان، خراسان، سمنان، یزد، کرمان، فارس، همدان و... جایابی شده و امروز تبدیل به یکی از موتورهای تولید بحران شوند. این در حالی است که دریا و ظرفیت‌های عظیم آن می‌تواند چارچوبی برای پارادایم شیفت در سیاست صنعتی و تجاری کشور و متنوع‌سازی اقتصاد وابسته و منبع‌محور کشور باشد و با اتکا به فرصت‌های متنوع آن می‌توان طیف وسیعی از فعالیت‌های کشتی‌سازی، تعمیرات و اوراق کشتی و شناور، بانکرینگ و خدمات کشتیرانی، شیلات و آبزی‌پروری، گردشگری دریایی و ساحلی، ترانزیت و تجارت دریایی و... را که هم اشتغال‌زایی بالا و هم ارزش افزوده قابل‌توجهی دارند، رونق بخشید. ایران با قرارگیری در مسیر کریدورهای بین‌المللی ترانزیتی قابلیت بسیار بالایی برای کسب درآمد از طریق توسعه ترانزیت دارد؛ موضوعی که نیازمند توسعه بنادر و امکانات لجستیکی بنادر، تکمیل خطوط ریلی و اتصال کریدورهای کشور به کریدورهای بین‌المللی و رقابت‌پذیر کردن مسیر ترانزیتی کشور با کشورهای همجوار در سایه کاهش تنش‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاست خارجی کشور است.

در سال جاری با کاهش حدود ۵۰ درصدی بارش‌ها نسبت به میانگین بلندمدت و خالی‌بودن قریب به ۸۰ درصدی ظرفیت سدهای مهم کشور، از همین امروز زنگ هشدار تأمین آب موردنیاز کلان‌شهرهایی مانند تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، اهواز و کرج به صدا درآمده که قطعا کشور را می‌تواند با چالش بزرگی در تابستان آینده مواجه کند. این در حالی است که به عنوان نمونه درمورد کلان‌شهر تهران تمامی منابع آبی موجود در شعاع ۲۰۰ کیلومتری تهران به نحوی از انحا در حال انتقال به پایتخت برای مصرف شرب پایتخت‌نشینان است و با توجه به کاهش شدید منابع آب زیرزمینی، عملا دیگر منبع جدید یا جایگزینی (دسترسی به آب دریا) برای تأمین منابع آب وجود ندارد. درحالی‌که هزینه‌های انتقال آب از دریا به ایران مرکزی و استان‌های اصفهان و کرمان و یزد و... به شدت بالا و پرهزینه بوده و جانمایی کلان‌شهرها در مجاورت آب می‌توانست حداقل مضیقه کم‌آبی این کلان‌شهرها را با تکیه بر تکنولوژی‌های نوین نمک‌زدایی از آب دریا (مانند تجربه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس) برطرف کند؛ ازاین‌رو توسعه دریامحور می‌تواند در بعد سرزمینی چارچوبی برای پارادایم شیفت در توسعه سرزمینی کشور و بازآرایی نظام استقرار جمعیت و فعالیت با تکیه بر فرصت دریا باشد تا بتوان ضمن پالایش جمعیتی و عملکردی مناطق پرتراکم و آلوده کلان‌شهری کشور، سهم جمعیت‌پذیری مناطق ساحلی جنوب کشور (شعاع ۱۰۰ کیلومتری دریا) را از پنج درصد فعلی در افق ۲۰ ساله به حدود حداقل ۱۵ درصد افزایش داد.

در پایان باید گفت «توسعه دریامحور» با توجه به چالش‌ها و مصائب بزرگی که امروز کشور چه در بخش توسعه اقتصادی و چه در بخش توسعه سرزمینی با آن دست به گریبان است دیگر یک «انتخاب» نیست، بلکه یک «ضرورت راهبردی» برای تولد یک «الگوی توسعه» تحقق‌پذیر در شرایط ایران است؛ چارچوبی است برای صیانت از پایداری سیستم و بقای کشور و بهره‌گیری حداکثری از فرصت مغفول‌مانده «دریا» برای پارادایم شیفت بزرگ در توسعه اقتصادی و سرزمینی کشور. باید پذیرفت اگر می‌خواهیم این سیاست‌ها نیز به سرنوشت سایر سیاست‌های کلی ابلاغی از جمله اقتصاد مقاومتی، خصوصی‌سازی و... دچار نشود، تحقق این مهم مستلزم اتخاذ تصمیماتی سخت ولی تحول‌آفرین از جمله «قیمت‌گذاری منطقه‌ای آب و انرژی»، «جذب حداکثری سرمایه‌های بخش خصوصی و سرمایه‌های خارجی» و «ارائه مشوق‌ها و بخشودگی‌های جامع و ترغیب‌کننده برای کسب‌وکارها» به منظور کاهش جذابیت‌های اقتصادی مناطق کلان‌شهری از یک سو و ایجاد مزیت‌ها و جذابیت‌های اقتصادی غیرقابل چشم‌پوشی در مناطق ساحلی جنوب از سوی دیگر است.

مدارک فوق مربوط به زمین گرمدره به متراژ سند ۱۶۴۵۰ متر واقع در گرمدره شمالی بالای اتوبان تهران قزوین به پلاک ثبتی ۱۳۹ فرعی از ۱۹ اصلی مجزا از پلاک ثبتی ۲۸۰ سندوکالت بلاعوض به شماره ۱۷۱۵۲ به تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ دفترخانه ۱۰۰۱ قولنامه رسمی به شماره ۲۳۳ به تاریخ ۱۳۷۳/۰۴/۱۵ کلیه مدارک مربوط به زمین ذکرشده مفقود گردیده و از لحاظ قانونی فاقد اعتبار می باشد.
مالک علی قاسمی قره کلک ۰۹۱۲۵۹۹۶۴۷۵

برگ سبز، کارت ماشین، سند کمپانی و کارت سوخت خودروپژو ۲۰۷ دنده اتومات رنگ سفید مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ایران ۱۱ - ۹۷۲ م ۳۴ و شماره موتور ۱۵۲۹۰۰۰۳۶۶۰ و شماره شاسی NAAR13FE9BJ982674 به نام سعیده ملک محمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

«آگهی مفقودی»
بدینوسیله اعلام می گردد پروانه بهره برداری به شماره ۰۲/۱۰۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۰۲/۲۴ متعلق به شرکت تولیدی صنعت پیشه مفقود گردیده است. لذا از زمان چاپ این آگهی پروانه مفقودی فاقد اعتبار و ارزش قانونی می باشد.

برگ سبز خودرولاماری رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۷۴ و ۲۵۱ ایران ۶۱ و شماره موتور 4A95TD*3YD968 و شماره شاسی N5RL42DA5PP010508 به نام فرید خسروی‌زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودروتیبا۲ رنگ سفید روغنی مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۶۷ - ۸۷۹ و ۲۶ و شماره موتور M15/9350535 و شماره شاسی NAS821100M1001050 به نام محمود هیرمند با کدملی ۱۲۸۰۸۳۶۴۵۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.